

اصلاح طلبان: علاج در مذاکره است!

با وجود تجربه‌های مکرر، یک جریان سیاسی تلاش داشت نسبت به مذاکرات اسلام‌آباد خوش بینی افراطی ایجاد کند

۲



لبنان و دارایی‌ها؛ دو آزمونی که هنوز صداقت طرف مقابل را تأیید نکرده‌اند؛

عبور از پیش شرط‌ها؟



۳ اروپا از شطرنج جهانی
حذف شده است

صفحه ۲

سیاسی

رپورتاژ برای دشمن
وسط جنگ

محاصره دریایی ایران
یا قمار کاخ سفید با جهان؟

واقعیت آن است که این طرح از چندین جهت محکوم به شکست است. نخست، ناوگان سایه و انباشت نفت ایران بر روی نفتکش‌ها که بنا بر برخی برآوردها به حدود ۱۶۰ میلیون بشکه رسیده و امکان تداوم صادرات ایران را فراهم می‌کند. دوم، وابستگی پالایشگاه‌های آسیایی به نفت خاورمیانه که به سادگی با نفت آمریکا یا متحدانش جایگزین نمی‌شود. سوم، ظرفیت‌های بازدارنده منطقه‌ای؛ از امکان انسداد در باب‌المنندب توسط یمن تا توان پاسخ ایران علیه زیرساخت‌های نفتی در کشورهای متحد آمریکا در جنوب خلیج فارس. و نهایتاً، پیوند راهبردی با چین که معادله را از یک تقابل دوجانبه به یک چالش چندقطبی ارتقا می‌دهد.

متن کامل در صفحه ۷

صفحه ۴

بین‌الملل

صفحه ۳

سیاسی

خط مقدم زیر آتش؛
لبنان در پیچ تاریخی

دست رد دولت
به آسیب دیدگان
جنگ



خبر کوتاه

قاضی زاده هاشمی: سرنوشت
پیش شرط‌های ایران چه شد؟

نایب رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی و معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم در صفحه شخصی خود نوشت: زمزمه دور جدید مذاکرات شنیده می‌شود! سوال این است که آیا پیش شرط‌های ایران محقق شده‌اند؟ این رفت و آمدها غیراز خطر امنیتی که برای تیم مذاکره‌کننده ایجاد می‌کند، به جهت ضرورت هماهنگی‌ها، برای سران عالی نظام نیز خطر ایجاد کرده و اتحاد مقدس ملی را هم دچار خدشه می‌کند. هنوز وجدان عمومی ملت بزرگ ایران برای لبنان و مردم غیورش در تب و تاب است. باتوجه به شرایط لبنان دیگر آتش‌بس در آن جبهه کفایت نمی‌کند بلکه دشمن صهیونیستی باید جنوب آن را ترک کند.

خلجی: جنگ رمضان معادلات
کشورهای دنیا در مواجهه با آمریکا را
برهم زد

سپهر خلجی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم در کانال تلگرامی خود نوشت: مک‌کارنی نخست‌وزیر کانادا را دیدید که دیشب برای آمریکا خط و نشان کشید و گفت دیگه حاضر نیستیم به آمریکا باج بدیم؟ همین جناب نخست‌وزیر و کشورش را تا دو ماه قبل ترامپ در کاخ سفید تحقیر می‌کرد و می‌گفت کانادا ایالت ۵۱ آمریکاست. حالا بعد از جنگ رمضان و فروریختن هیمنه آمریکا به دست ایران نخست‌وزیر کانادا هم جرأت می‌کند به ترامپ نه بگوید. دنیا و حتی غفلاهی آمریکا آماده «نه بزرگ» به ترامپ می‌شوند.

بهداری جهرمی: دیپلماسی را
از سایر ظرفیت‌های جهانی پیگیری
کنید

سخنگوی دولت سیزدهم در کانال تلگرامی خود نوشت: موضع شفاف چین به آمریکا برای خودداری از دخالت در روابط دو جانبه چین و ایران در تنگه هرمز را ببینید. مواضع اسپانیا، روسیه، عمان و بسیاری کشورهای دیگر را در دوران جنگ رمضان مرور کنید. دیپلماسی را در سایر بخش‌های جهان نیز با جدیت و سرعت بیشتری پیش ببرید. تمام دنیا فقط آمریکا نیست و برای انجام کارها در حوزه جهانی باید به تمام ظرفیت‌های جهان نگاه کرد نه تنها طرف زورگو در جهان!

ثابتی: سرمایه‌گذاری آمریکا در ایران
متوهمانه بود

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در اجتماع مردمی در محله وردآورد گفت: آمریکا در مذاکرات اخیر از ایران خواسته تا اگر تنگه هرمز باز شود، در درآمدش با ایران شریک شود و این یک علت مهم شکست مذاکرات بوده اما مهمتر این است که بدانیم عده‌ای متوهم و ابله، چندی قبل میگفتند اگر با آمریکا توافق کنیم آن‌ها حاضرند در ایران ۲ تا ۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کنند! یعنی آمریکایی که الان از درآمد تنگه هرمز هم نمیکند را طوری بزرگ می‌کردند که میخواهد باید ایران را آباد کند و پولهایش را وارد کشور ما کند!

با وجود تجربه‌های مکرر، یک جریان سیاسی تلاش داشت نسبت به مذاکرات اسلام‌آباد خوش بینی افراطی ایجاد کند

اصلاح طلبان: علاج در مذاکره است!

اعزامی و همچنین انتشار موجی از اخبار فیک درباره مثبت و سازنده بودن مذاکرات به نقل از برخی رسانه‌های خارجی در همین راستا صورت پذیرفت. این در حالی است که با عدم تحقق دو پیش شرط ایران و همچنین سابقه تمامیت‌خواه آمریکا، نتیجه مذاکرات اسلام‌آباد از قبل مشخص بود.

با توقف موقت جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی و انجام مذاکرات اسلام‌آباد، اصلاح طلبان با پمپاژ حجم بالایی از خوش باوری‌ها و امید کاذب به نتیجه این مذاکرات در افکار عمومی تلاش کرد گزاره منسوخ شده حل مشکلات از طریق مذاکره با آمریکا را کماکان معتبر نگه دارد. بزرگنمایی از ترکیب دو هیات



امیرحسین درکی
روزنامه نگار

ساده لوحانه در سرمقاله‌ای برای روزنامه سازندگی نوشت: «از همین امروز باید به فکر توسعه ایران بود و توسعه با «تتهایی» ناممکن است که به قول حکیم نظامی گنجوی: «همه عالم تن است و ایران دل» دل ایرانشهر را احیا کنید؛ و امروز «دل ایرانشهر» در «اسلام‌آباد» است!.

در رفتارشناسی اینگونه اظهارات ساده انگارانه سیاسی، عدم هضم واقعیات و گرفتاری ذهن در ادبیات تکراری «مذاکره با آمریکا» به شدت احساس میشود به نحوی که بیان اینگونه اظهارات توسط چهره‌ها و رسانه‌های اصلاح طلب - که البته محدود به این موارد ذکر شده هم نیست - نشان می‌دهد فضای ذهنی و دغدغه‌های جبهه اصلاحات نسبت به واقعیات میدانی، تحولات منطقه و جهان و دغدغه‌های اصلی مردم تا چه میزان فاصله گرفته است.

درست روز بعد از مذاکرات اسلام‌آباد روزنامه سازندگی نزدیک به همین مواضع را در صفحه نخست خود بیان کرده بود. این روزنامه با هدف پررنگ کردن گزینه مذاکره برای حل مشکلات تصویر نخست وزیر پاکستان را روی جلد نخست خود برد.

همچنین احمد زیدآبادی روزنامه نگار اصلاح طلب با اظهاراتی عجیب پیرامون مذاکرات اسلام‌آباد، خیال‌پردازی این جریان را نشان داد و نوشت: گمان نمی‌کنم عدم دستیابی به توافق در مذاکرات اسلام‌آباد به معنای شکست نهایی دیپلماسی و از سرگیری دوباره جنگ باشد؛ با اینکه آرزوی منم اینطور نباشد! «خط سیاسی و رسانه‌ای جدید اصلاح طلبان وارد مرحله‌ای طنزآمیز شد، به طوری که هرگونه روایت پیروزی در مقابل دشمن آمریکای-صهیونیستی به ضرر ایران است. زیدآبادی همچنین مدعی شد: «یادآوری و تکرار شکست‌های ترامپ به ضرر ایران است.» و در یادداشت تلگرامی خود آورد: «به نظر من، بلوغ سیاسی در برابر چنین فرد نابالغی «ترامپ» اقتضا می‌کند که از تحریک او خودداری شود تا حس تفرعن و خودپسندی‌اش قدری ارضا شود و از این مرحله عبور کند.»

بیان اینگونه اظهارات توسط چهره‌های اصلاح طلب صرفاً به این موارد ختم نشد؛ محمد قوچانی، عضو شورای مرکزی و رئیس کمیته سیاسی حزب کارگزاران سازندگی ایران با خوش باوری

مروری بر مواضع برخی از چهره‌ها و رسانه‌های مطرح جبهه اصلاحات پیش و پس از مذاکرات اسلام‌آباد نشان دهنده تداوم ذهنیت غیر واقعی مذاکره با آمریکا برای حل مشکلات کشور و بزرگ نمایی دشمنان ایران است. غلامحسین کرباسچی، مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن ساعاتی پس از اعلام خبر آتش‌بس، در واکنشی عجیب و احساسی به باز نشر توپیت عراقچی توسط ترامپ، در اقدامی خود تحقیرانه باز نشر توپیت رایک معجزه قلمداد کرد.

کرباسچی، در استوری اینستاگرامی خود نوشت: «خداوند در قرن ۲۱ معجزه‌ای را به مردم ایران نشان داد (چاپ بیانیه عراقچی در صفحه رسمی ترامپ) که عبور قوم بنی اسرائیل از نیل در مقابلش هیچ است.» معجزه خواندن باز نشر یک پست توپیتی توسط رئیس جمهور دولت تروریستی آمریکا و مقایسه آن با داستان قوم بنی اسرائیل حاکی از فضای ذهنی هالیوودی و سریالی این جریان است.

سیاسی

رپورتاژ برای دشمن وسط جنگ

انتشار خبر دست ندادن سردبیر خبرگزاری تسنیم با کسری ناجی خبرنگار رسانه سلطنتی بی‌بی‌سی فارسی در حاشیه مذاکرات ایران و آمریکا در اسلام‌آباد، جریان رسانه‌ای غریب‌گراها را عصبانی کرد و آنها به صرافت حمایت علنی از عنصر رسانه‌ای دشمن واداشت.

کسری ناجی که کارمندی بی بی سی فارسی، حضور در سرزمین‌های اشغالی در بزنگاه‌های مختلف و تهیه گزارش‌های جهت‌دار به نفع رژیم صهیونیستی و حتی حضور در ناو آمریکایی مستقر در خلیج فارس را کارنامه دارد، اخیراً به طور مشکوکی مورد حمایت کمپین فعالان رسانه‌ای اصلاح طلب قرار گرفت. مشابه همین روند، پس از جنگ ۱۲ روزه نیز در قالب پروژه‌ای مشخص برای آکانت‌های توپیتی اصلاح طلب در دستور کار قرار داشت و مزدورانی چون نفیسه کوهنورد و سیاوش اردلان مورد تمجید و ستایش این طیف قرار گرفته بودند.

در شرایطی که جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار پایان نگرفته و در برهه توقف جنگ قرار داریم، رپورتاژ برخی عناصر داخلی برای مزدوران دشمن و کارمندان رسمی دستگاه‌های امنیتی کشورهای بی چون انگلیس قابل تامل است. دستگاه قضایی می‌تواند با ورود سریع و موثر به این پرونده، سرپل‌های رسانه‌ای دشمن و سرنخ تداوم عملیات‌های روانی ضد انقلاب در داخل ایران را به دست آورد.



گفتگوی نوبیاد با دکتر خانعلی زاده درباره جایگاه اروپا در سیاست خارجی ایران؛

اروپا از شطرنج جهانی حذف شده است

با وجود فضا سازی های گسترده درباره تصمیم انگلیس برای میزبانی از ۳۵ کشور جهت برگزاری نشست با هدف بازگشایی دوباره تنگه هرمز و البته لغو این نشست، موضوع کاهش اعتبار اتحادیه اروپا در مناسبات جهانی به ویژه غرب آسیا دوباره مورد توجه کارشناسان و صاحب نظران قرار گرفته است. درباره این موضوع و همچنین چشم انداز روابط ایران با کشورهای اروپایی با دکتر مهدی خانعلی زاده، استاد روابط بین الملل دانشگاه گفت و گو کرده ایم.

جعفر کاظمی

روزنامه نگار

با توجه به حضور پررنگ تاریخی و مستمر اروپا در مذاکرات هسته ای برجام و همچنین مذاکرات دهه هشتاد با تروئیکای اروپایی، امروز چه عواملی باعث شده اروپا عملاً از معادلات کلیدی منطقه ای نظیر جنگ با ایران و حواشی تنگه هرمز «خارج» شود؟

اروپا بعد از جنگ جهانی دوم به دلیل آسیب هایی که به آن وارد شده بود، خود را ذیل چتر امنیتی و اقتصادی و حتی فرهنگی و اجتماعی آمریکا تعریف کرده بود. پس از چند سال و بعد از اینکه اتحادیه اروپا شکل گرفت، کشورهای عضو آن تلاش کردند از زیر سایه سنگین آمریکا خارج شوند؛ اتفاقاتی که در دوره شارل دوگل و یا آنکلا مرکل افتاد در همین چارچوب بود و اینکه اروپا به یک شخصیت مستقل از آمریکا بدل شود. حوادثی که بعد از جنگ اوکراین رخ داد، به طور ویژه منجر به وابستگی شدید طرف اروپایی به آمریکا شد و عملاً آن را به دوره پس از ۱۹۴۵ و فضای بعد از جنگ جهانی بازگرداند. الان واحد سیاسی مستقلی به نام اروپا وجود ندارد؛ ما با ایالت پنجاه و یکم آمریکا و حتی بدتر از آن مواجه هستیم، چون در ساختار فدرالی آمریکا، ایالت ها محدودیت های کمتری در قیاس با محدودیت های امروز اروپا در قبالت سیاست های خارجی آمریکا دارند. به گونه ای که امروز یک فرماندار در ایالات متحده می تواند مخالف رئیس جمهور آمریکا اقدام و فعالیت کند، اما مقامات کشورهای اروپایی چنین توانمندی ای ندارند. اقداماتی که اروپا طی سال های گذشته در تعریف ساختار خود در حوزه امنیت ذیل ناتو و آمریکا انجام داد، الان شرایط را به جایی رسانده که اساساً طرف اروپایی امکان بازیگری مستقل ندارد و با وجود اعتراضاتی که به رفتار آمریکا دارد، نتوانسته شرایط را به سمتی ببرد که بازیگری خود را اعمال کند. در نتیجه اینها امروز شاهدیم که به جای آنکه انگشت اتهام عدم تمایل اروپا به ورود و اقدام در جنگ غرب آسیا به سمت آمریکا باشد، به سمت خود اروپا است.

آیا انزو و کاهش نقش آفرینی امروز اتحادیه اروپا را باید بیشتر نشانه ضعف ذاتی اروپا در بازی قدرت جهانی بدانیم یا نتیجه اراده آمریکا برای کنار زدن متحدان اروپایی خود؟

مسئله اصلی، تغییر در نظام بین الملل است؛ یعنی آن ساختاری که مبنی بر ثبات هژمونیک در جهان شکل گرفته بود و قرار بود کشورها امنیت خودشان را برون سپاری کنند، چیزی که در کشورهای حاشیه خلیج فارس به طور جدی اتفاق افتاد و در اروپا هم ذیل توافق امنیتی ناتو رقم خورد، این نظم امنیتی



بعد از سال ۲۰۰۸ شکننده شد و الان می توان گفت رسماً دچار فروپاشی شده است. پس از نظر ساختار بین المللی طبیعی بود که اروپایی ها به دلیل پایان ثبات هژمونیک دیگر نتوانند به روند قبلی ادامه دهند. اما اتحادیه اروپا به شدت دچار کوتولگی سیاسی نیز شده است؛ یعنی زمانی که اروپا با دوگل،

تاچرو و هلموت کوهل شناخته می شد، تأثیرگذاری که در نظام بین الملل داشت قابل مقایسه با الان نیست که مکرون و استارمروترس برای قدرت های اروپای غربی تصمیم گیری می کنند. این کاهش کاربزمای سیاسی و توانمندی سیاسی بین رهبران اروپایی، زمینه را برای حذف آن ها از معادلات فراهم کرده است. اروپای امروز به هیچ وجه توانمندی استقلال از آمریکا را ندارد. به خاطر بیابرید متن پیامکی که مکرون به ترامپ فرستاده بود و خواهش کرده بود که بیا و در حوزه اختیار اتمان و تمایلات آمریکا در ایران و سوریه و جاهای دیگر کاملاً همراهی و منافع آمریکا را تأمین می کنیم و در مقابل فقط کاری به گرینلند نداشته باش. این یک نماد و نشانه از کوتولگی اروپا در برابر آمریکا است. در مجموع می توان گفت تغییرات در نظام بین الملل و عقب ماندگی اروپایی ها به همراه کوتاه قامتی رهبران سیاسی فعلی در اروپا، زمینه را برای حذف اروپا از بازیگری در معادلات بین المللی فراهم کرده است.

آیا تهران به این جمع بندی رسیده که کار با اروپایی ها فایده ای ندارد و بنابراین در سیاست خارجی خود به سمت کاهش تعامل با این اتحادیه می رود؟

ایران مدتی دیر به این نتیجه رسید که اساساً اروپایی ها بازیگر جدی ای در نظام بین الملل نیستند. از همان زمانی که برخی در داخل کشور گزاره ای تحت عنوان اختلاف میان آمریکا و اروپا را مطرح می کردند، مشخص بود که یک طیف سیاسی برآورد دقیقی از فضای نظام بین الملل ندارد؛ یعنی نه تاریخ اروپا را خوانده بود و نه تحولاتی که در مسائل روز به ویژه پس از جنگ اوکراین صورت گرفته بود، قابل درک برای برخی از سیاستمداران در داخل کشور بود. موضوعی که امروز باید مدنظر باشد این است که بازیگری اروپا فارغ از اینکه به ضرر ماست یا به نفع ما، الان دیگر محل توجه ندارد؛ یعنی اگر اروپایی ها الان بخواهند کاری را هم به نفع ما انجام دهند، دیگر توانمندی و جایگاه آن را ندارند. چیزی که باعث می شود جهان تسلیم منافع ملی ایران بشود، قدرتمندی و بازیگر خود ایران و پاسخ دادن مستقیم به آمریکا است. از جمله در ماجرای لبنان بارها طرف فرانسوی تلاش کرد تا ایران را به عنوان

یک بازیگر وارد شطرنج امنیتی لبنان کند تا بتواند منافع خودش را دنبال کند. ایران با کنار زدن فرانسه و با تقابل مستقیم با آمریکا توانست نظم امنیتی مطلوب خودش را در آن کشور با حمایت از گروه های مقاومت تثبیت کند. این واقعیت نه به صورت تصمیم گیری سیاسی، بلکه به صورت وارداتی از میدان مورد توجه قرار گرفت. الان چنین گزاره ای در میان مقامات تصمیم گیر کشورمان وجود دارد که دیگر اروپا جایگاهی برای حکمرانی در فضای بین الملل ندارد. اگر قرار است اقداماتی در زمینه تأمین منافع ملی ایران در جهان صورت گیرد، باید با قدرت هایی چون چین و روسیه همراهی و با قدرت آمریکا تقابل کرد. الان دیگر اروپا اساساً در جایگاه تقابل با ایران هم نیست، چرا که اثرگذاری ندارد و از جمله اگر تحریم های اتحادیه اروپا علیه ایران را در نظر بگیرید، اصلاً قابلیت اجرایی هم ندارد، در شرایطی که ایران تحریم های آمریکا را با مقاومت و جنگ شکسته و خنثی کرده است.

ارزیابی شما از خروجی تماس های اخیر رئیس جمهور کشورمان با مکرون چیست؟

اساساً در گفت و گو با رئیس جمهور فرانسه، هیچ اقدام مثبت یا منفی مشخصی صورت نمی گیرد؛ بلکه این گفت و گوها تنها زمینه را برای ایجاد مدلی از قدرت نرم برای طرف فرانسوی و فضا سازی علیه ایران فراهم می کند. به همین دلیل، من و واقعیت این گفت و گوها را مثبت نمی بینم. به طور ویژه اینکه از سمت ایران مطلب خاصی منتقل نمی شود؛ یعنی حتی پیامی هم از سوی جناب آقای رئیس جمهور در گفت و گوهای متعددی که با رئیس جمهور فرانسه دارند، منتقل نمی شود که بتواند افزایش قدرت نرم ایران را به دنبال داشته باشد. همچنین زمینه ای برای اینکه طرف آمریکایی متوجه فرایندهای اشتباه خود بشود، یا فشاری به تیم مذاکره کننده ی طرف غربی وارد آید، یا دست برتری برای تیم مذاکره کننده ی ایرانی ایجاد کند، در این گفت و گوها نمی بینم. به نظر من، ما همچنان در آن چرخه ی معیوب «اصالت دادن به چشم آبی های فرانسوی و اروپایی» گرفتار هستیم و برخی از جایگاه های سیاسی ما همچنان در این چرخه گیر کرده اند.

گزارش کوتاه

دست رد دولت به آسیب دیدگان جنگ

سخنگوی دولت در سخنانی عجیب با مسئولیت بازسازی منازل آسیب و یا تخریب شده در ایام جنگ تحمیلی سوم را از روی دوش دولت برداشت و گفت دولت در این زمینه صرفاً به دادن تراکم شناور اکتفا می کند.

فاطمه مهاجرانی در جریان یک گفتگوی تلویزیونی و در پاسخ به سوالی در رابطه با میزان حمایت دولت از واحدهای مسکونی آسیب دیده در جنگ اخیر، به سبب رئیس خود پزشکیمان عمل کرد و با تأکید چند باره بر مشکلات اقتصادی و محدودیت های مالی کشور، گفت دولت پول بازسازی منازل را نمی دهد! این در حالی است که بازسازی ویرانی ها و کمک به مردم آسیب دیده در بحران ها از جمله وظائف دولت محسوب می شود و از جمله وظائف مصرح بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در همین چارچوب تعریف می شود. علاوه بر این طرح مشکلات اقتصادی و مالی دولت در تریبون عمومی، نمک روی زخم آسیب دیدگان جنگ اخیر است و بهتر بود حالا که شهرداری تهران، مسئولیت بازسازی منازل آسیب دیده را بر عهده گرفته، خانم مهاجرانی، سفره مشکلات مالی دولت را برای مردم پهن نمی کرد.

سخنگوی دولت البته در سخنان اخیر خود، در بیان بسته حمایتی دولت برای آسیب دیدگان، اشتباه کرد و از اعطای تراکم شناور برای ترغیب سرمایه گذاران جهت بازسازی سریع منازل آسیب دیده سخن گفت. به نظرمی رسد منظور سخنگو، تراکم مشوق بوده که از سال گذشته توسط شهرداری برای بازسازی سریع منازل آسیب دیده در نظر گرفته شده و می شود.

خبر کوتاه

محمد جواد لاریجانی: ان پی تی سند مرده است

کارشناس ارشد مسائل سیاسی در خصوص مذاکرات ایران با آمریکا گفت: نباید توافق با آمریکا مانند برجام یک قرارداد مرده باشد، ما قرار نیست به آمریکا اعتماد کنیم و باید نقد معامله کنیم. وی همچنین ضمن اشاره به درماندگی آمریکایی در مذاکرات اسلام آباد، تأکید کرد: آمریکایی ها باید این تولد قدرت ایران را ببینند. لاریجانی در پایان خواستار بازنگری در تعهدات ایران نسبت به پروتکل الحاقی (ان پی تی) شد و گفت: ان پی تی سند خوبی است اما مرده است. اگر از من بپرسید، من معتقدم ما باید اعلام کنیم تعهدات مان فعلاً معلق است. بررسی کنیم در مقابل تهاجم به تأسیسات اتمی ما، آژانس چه کار کرده است.

ابراهیم رضایی: پایان آتش بس نباید منجر به تمدید آتش بس شود

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در ایکس نوشت: پایان آتش بس نباید منجر به تمدید آتش بس شود، یا باید حقوق ایران از جمله تسلط ما بر تنگه هرمز را به رسمیت بشناسند، یا به جنگ برگردند قرار نیست از فضای تنفسی که پدید آمده برای شرارت مجدد و تجهیز خودشان استفاده کنند. رضایی همچنین افزود: اگر حقوق ما را ندهند دندان لقی آتش بس که موجب وحشی گری آمریکایی ها و صهیونیست ها می شود را باید کند و کنار گذاشت.

لازم نیست به همه تماس های مکرون پاسخ دهیم

به نظر من هیچ مشکلی ندارد و حتی مطلوب منافع ملی ایران هم هست که وقتی طرف فرانسوی مطالبه ی گفت و گوی تلفنی با آقای رئیس جمهور می کند، درخواستش رد شود؛ یعنی از هر سه یا چهار تماسی که می گیرند و درخواست تماس دارند، تنها به یک مورد پاسخ داده شود. این قطعاً به تأمین منافع ملی ایران نزدیک تر است تا اینکه خود را دائماً مشتاق گفت و گوهایی نشان دهیم که دردی از ما دوا نمی کنند.

عدد خبر ۳ درصد

بانک جهانی به دلیل جنگ علیه ایران پیش بینی رشد اقتصادی کشورهای عربی خلیج فارس در ۲۰۲۶ را ۳.۱ درصد کاهش داد و اعلام کرد: بسته شدن تنگه هرمز و تخریب زیرساخت‌های انرژی و عمومی، بازارها را مختل کرده، نوسانات مالی را افزایش داده و چشم‌انداز رشد ۲۰۲۶ را تضعیف کرده است. به‌استثنای ایران، انتظار می‌رود رشد کلی در منطقه از ۴ درصد در سال ۲۰۲۵ به ۱.۸ درصد برای سال ۲۰۲۶ کاهش یابد. رشد اقتصادی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نسبت به گزارش ژانویه سال جاری میلادی ۳.۱ درصد کاهش یافته و پیش‌بینی می‌شود از ۴.۴ درصد در سال ۲۰۲۵ به ۱.۳ درصد در سال ۲۰۲۶ کاهش یابد.

عدد خبر ۲۰.۸ میلیون تن

بر اساس آمارهای منتشر شده گمرک در ۳۹ روز جنگ تحمیلی ۲ میلیون و ۸۷۴ هزار ۲۰۸ میلیون تن کالای اساسی از گمرکات ترخیص و روانه کشور شده است. همچنین تشریفات گمرکی و خروج بیش از ۱۱۲ هزار دستگاه کامیون حامل کالاهای اساسی طی ۳۹ روز جنگ از ۹ اسفندماه ۱۴۰۴ تا ۱۸ فروردین ماه ۱۴۰۵ از گمرکات کشور انجام شد. بر اساس اعلام گمرک، بسته حمایتی ارائه تسهیلات گمرکی به فعالان اقتصادی در شرایط اضطرار همچنان برقرار است. رضا مسرور، دبیر شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی نیز گفت: در بازه زمانی ۹ اسفند ۱۴۰۴ تا ۲۳ فروردین ۱۴۰۵، مجموعاً ۶۲۲ هزار و ۵۹۷ تن انواع کالای اساسی از طریق مناطق آزاد وارد زنجیره تامین کشور شده است.

عدد خبر ۴۹ درصد

بر اساس آخرین آمارها میزان ورودی مخازن کل سدهای کشور از ابتدای سال آبی (ابتدای مهرماه ۱۴۰۴) تا ۲۲ فروردین‌ماه، معادل ۲۵ میلیارد مترمکعب بوده که در مقایسه با سال گذشته که عددی معادل ۱۶.۸۲ میلیارد مترمکعب بوده، ۴۹ درصد افزایش داشته است. همچنین میزان کل خروجی سدهای کشور نیز نسبت به سال قبل با ۷ درصد کاهش مواجه بوده است. حجم آب موجود مخازن اکنون ۲۹.۳۹ میلیارد مترمکعب ثبت شده که این عدد نسبت به سال قبل که عددی معادل ۲۶.۰۵ میلیارد مترمکعب بوده ۱۳ درصد افزایشی داشته است. همچنین حجم پرشدگی سدهای کشور نیز تا شنبه این هفته ۵۷ درصد است. با این حال میزان پرشدگی که در ۸۰ سد مهم کشور کمتر از ۲۰ درصد است.

عدد خبر ۹۰ درصد

رئیس اتحادیه دام سبک از وضعیت مطلوب مراتع و تولید دام در کشور خبر داد و گفت: وضعیت مراتع با برکت خداوند شرایط مناسبی دارد و دام زیاد است. افزایش صدر دادرس با بیان اینکه قیمت گوشت دام سبک نسبت به سال گذشته تغییری نداشته و انتظار افزایش قیمت وجود ندارد، افزود: در حال حاضر قیمت هر کیلوگرم گوسفند زنده در نقاط مختلف کشور بین ۵۲۰ تا ۵۶۰ هزار تومان و قیمت لاشه در کشتارگاه حدود یک میلیون و ۳۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان است. وی ادامه داد: حدود ۴۶ تا ۴۷ درصد کل گوشت تولیدی کشور از دام سبک تأمین می‌شود. بیش از ۹۰ درصد این تولید توسط دامداران خرد و متوسط انجام می‌شود که شامل عشایر، روستاییان و دامداران غیرصنعتی است.

هدسار تحلیلگران انرژی؛

نفت ۲۰۰ دلاری می‌شود

چند روز تا پایان آتش بس باقی مانده اما دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، ایران را به محاصره دریایی تهدید کرده است. آمریکا در حالی اجرای این دستور ترامپ را آغاز کرده که اثر مستقیمی بر قیمت نفت و پیوند مستقیم آن با معیشت آمریکایی‌ها دارد، زیرا ممکن است نفت را به محدوده ۱۵۰ تا ۲۰۰ دلار سوق می‌دهد.

فشار شدید قیمت انرژی قرار دارند.

روزنامه وال استریت ژورنال نیز در گزارشی نوشت: افزایش قیمت نفت در حال نمایان شدن در لایه‌های پنهان هزینه‌های روزمره شهروندان آمریکایی است. شرکت‌ها برای جبران هزینه‌های فزاینده، کارمزد های جدیدی را به قبض‌ها و خدمات خود افزوده‌اند.

شبکه سی‌ان‌ان نیز گزارش داد: اگر قیمت نفت بالاتر برود، قیمت بنزین نیز در سطوح بالا باقی خواهد ماند. بر اساس این گزارش، قیمت بنزین از زمان آغاز جنگ با ایران ۳۸ درصد افزایش یافته و در صورت تداوم رشد قیمت نفت، این روند ادامه خواهد یافت.

افزایش ۱۷۰۰ دلاری

هزینه هر خانواده آمریکایی

الیزابت وارن سناتور آمریکایی در توییتر نوشت: از زمانی که ترامپ جنگ غیرقانونی خود را با ایران آغاز کرد، آمریکایی‌ها ۸.۴ میلیارد دلار بیشتر در جایگاه‌های سوخت پرداخت کرده‌اند. به هر خانواده به‌طور متوسط ۱۷۰۰ دلار هزینه اضافی ناشی جنگ تحمیل شده و خانواده‌های آمریکایی قبض سیاست‌های بی‌پروای ترامپ را پرداخت می‌کنند.

پیت بودج، وزیر ترابری دولت جو بایدن هم اعلام کرد که تورم در این کشور در نتیجه جنگ با ایران تقریباً سه برابر شده است. وی تأکید کرده این افزایش تورم ناشی از ورود آمریکا به جنگی است که هیچ‌کس آن را نمی‌خواست و کسی درخواستش را نکرده بود. این رشد تورم به دلیل شکست دولت در کاهش قیمت‌ها نیست، بلکه به این خاطر است که دولت عمداً و فعالانه باعث افزایش قیمت‌ها شده است.

کشتی‌ها از تنگه هرمز، حدود ۴.۵ درصد از عرضه انرژی جهان از دست خواهد رفت. چنین کاهش می‌تواند رشد اقتصادی جهانی را تا حدود ۴ درصد کاهش دهد؛ رقمی که با پیامدهای رکود بزرگ سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ قابل مقایسه است. از منظر تحلیلی، انرژی کالایی حیاتی و غیرقابل جایگزین در کوتاه‌مدت است و هرگونه اختلال در آن به سرعت به بخش‌های مختلف از جمله غذا، صنعت و حمل‌ونقل سرایت می‌کند.

نرخ تورم آمریکا در ماه مارس به بالاترین سطح خود در چهار سال گذشته

رسیده که عامل اصلی این افزایش، جهش بی‌سابقه قیمت بنزین عنوان شده که به تنهایی سه چهارم رشد نرخ تورم را تشکیل می‌دهد. همچنین ۵۴ درصد از مصرف‌کنندگان آمریکایی اعلام کرده‌اند که وضعیت مالی آنها نسبت به سال گذشته بدتر شده است؛ این در حالی است که این رقم در ماه قبل ۴۷ درصد بود.

اعتراف ونس به افزایش شدید قیمت‌ها

تحلیلگران انرژی هشدار می‌دهند که حذف نفت ایران از بازار می‌تواند قیمت‌ها را به محدوده ۱۵۰ تا ۲۰۰ دلار در هر بشکه برساند. این سناریو، به‌ویژه برای دولتی که با وعده مهار تورم در آمریکا به قدرت رسیده، به‌منزله یک انتحار سیاسی تلقی می‌شود، زیرا در نهایت بر سطح عمومی قیمت‌ها در اقتصاد آمریکا اثر می‌گذارد. جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا نیز در نخستین اعتراف رسمی به پیامدهای جنگ ترامپ علیه ایران و قیمت بالای انرژی، اذعان کرد که آمریکایی‌ها تحت



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

جنگ آمریکا علیه ایران نه تنها نفت را افزایش داد، بلکه مستقیماً بر شاخص‌های کلان اقتصادی آمریکا نیز سایه افکنده است. پس از پایان بی‌نتیجه مذاکرات صلح در اسلام‌آباد میان ایران و آمریکا، با تهدید دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا درباره محاصره دریایی ایران، گزارش‌ها نیز از افزایش تورم و تشدید فشارهای معیشتی بر خانوارهای آمریکایی حکایت دارد؛ وضعیتی که پیامدهای آن از پمپ بنزین‌ها فراتر رفته است. چنین اقدامی در صورت اجرا مانع از ورود حدود دو میلیون بشکه نفت ایران در روز به بازارهای جهانی شود؛ موضوعی که به‌طور مستقیم عرضه جهانی را که با اختلال شدید در عرضه و تولید نفت مواجه است، محدود خواهد کرد.

کارشناسان بر این باورند که در صورت تحقق محاصره دریایی و اختلال در عبور

حقوق آمریکایی‌ها در باک بنزین‌شان خالی می‌شود

وال استریت ژورنال گزارش داد که افزایش قیمت‌ها در ماه مارس موجب کاهش شدید قدرت خرید درآمدهای هفتگی آمریکایی‌ها شده است. اگرچه دستمزدهای اسمی کارگران آمریکایی افزایش داشته است اما پس از تعدیل براساس تورم، درآمد واقعی آنها به شدت کاهش یافته است. به عبارت دیگر، افزایش قیمت بنزین و سایر کالاها، تمام رشد دستمزدها را بلعیده و خانواده‌های آمریکایی را با فشار معیشتی بی‌سابقه‌ای مواجه کرده است.

گزارش کوتاه

شوگ جنگ خاورمیانه به تجارت پسته

بلومبرگ در گزارشی نوشت: صنعت جهانی پسته با بحرانی بی‌سابقه روبه‌رو است. ایران به عنوان دومین تولیدکننده بزرگ این محصول مهم کشاورزی، نقش کلیدی در تأمین نیاز بازارهای جهانی دارد. این مغز خوش طعم که روزگاری به‌سادگی در دسترس مصرف‌کنندگان قرار می‌گرفت، اکنون به کالایی کمیاب و گران قیمت تبدیل شده است. تحلیلگران بازار آجیل و خشکبار معتقدند تنش‌های نظامی اخیر در منطقه، زنجیره تأمین این محصول را با اختلالات جدی مواجه کرده است. حتی پیش از آغاز درگیری‌ها نیز تحریم‌های اقتصادی و مسائل سیاسی، تجارت پسته را با چالش‌های متعددی روبه‌رو کرده بود.

به گفته کارشناسان، از اواخر فوریه سال جاری میلادی، روند کاهش ذخایر پسته شدت گرفته و ارسال محصول به بازارهای بین‌المللی با دشواری‌های فراوانی همراه شده است. خاورمیانه به عنوان یکی از قطب‌های اصلی تولید، انتقال و مصرف پسته، همواره نسبت به نوسانات این بازار حساسیت بالایی داشته است.

شهرت جهانی شکلات‌های پُر از پسته «دبی» که در اواخر سال ۲۰۲۳ در شبکه‌های اجتماعی محبوبیت یافت، تقاضای جهانی را به شکل چشمگیری افزایش داد. این روند صعودی در اروپا، خاورمیانه و آسیا به حدی بود که حتی شرکت‌های بزرگ مواد غذایی نیز به استفاده از این مغز در محصولات خود روی آوردند. برندهای معتبر بین‌المللی در حوزه بستنی و نوشیدنی نیز پسته را به سبب محصولات خود افزودند. بر اساس آمارهای منتشر شده، قیمت پسته در بازارهای جهانی طی دو سال گذشته حدود ۳۰ درصد افزایش یافته است. آمارهای وزارت کشاورزی آمریکا نشان می‌دهد ایران مسئول تولید حدود ۲۰ درصد پسته جهان و ۳۰ درصد صادرات این محصول است. آمریکا نیز با در اختیار داشتن ۴۰ درصد تولید جهانی و نزدیک به ۵۰ درصد صادرات، نقش مهمی در این بازار ایفا می‌کند.

با تشدید درگیری‌ها در منطقه و تأثیر آن بر عرضه و تجارت پسته، قیمت این محصول در ماه مارس (اسفند ۱۴۰۴) به سطحی بی‌سابقه رسید؛ این بالاترین سطح قیمتی از ماه می ۲۰۱۸ تاکنون است. یک مقام ارشد در یک شرکت آمریکایی تأمین‌کننده پسته برای صنایع غذایی اعلام کرد که خطوط کشتیرانی از دوم مارس، تمامی رزروهای جدید برای حمل‌ونقل به مقصد خاورمیانه را لغو کرده‌اند. این بحران زنجیره‌های تأمین را مختل کرده و حتی صادرات به کشورهایمانند هند - که سالانه میلیاردها دلار آجیل وارد می‌کند - با مشکلات اساسی مواجه شده است.

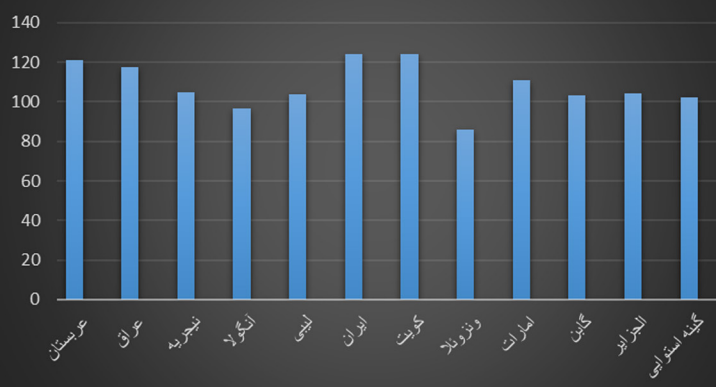
گزارش اوپک نشان می‌دهد؛

جهش قیمت و رکوردشکنی نفت ایران در سایه جنگ

بازار جهانی نفت طی ۵۰ روز اخیر با یکی از کم‌سابقه‌ترین شوک‌های تاریخ خود مواجه شده است؛ شوکی که از به دلیل جنگ آمریکایی-سهبیونی علیه ایران و اختلال در یکی از حیاتی‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان یعنی تنگه هرمز شکل گرفت. کاهش بیش از ۷.۸ میلیون

بشکه‌ای تولید اوپک، افت شدید صادرات کشورهای حاشیه خلیج فارس و جهش قیمت‌ها حاصل جنگ طلبی آمریکا در حالی رخ داد که ایران با افزایش صادرات و جهش ۵۷ دلاری قیمت نفت، به یکی از بازیگران برجسته این تحولات تبدیل شده است.

قیمت فروش نفت اعضای اوپک در مارس/دولار در هر بشکه



نیمه سهولتی
روزنامه نگار

آمریکا و رژیم صهیونیستی از ۲۸ فوریه (۹ اسفند ۱۴۰۴) دست به اقدام نظامی علیه ایران زدند. پس از آغاز این جنگ، تنگه هرمز که حدود یک پنجم نفت جهان از آن عبور می‌کند، با محدودیت شدید تردد مواجه شد و عملاً جریان صادرات نفت از خلیج فارس را مختل کرد. سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) نیز در گزارشی ماهانه جدید خود اعلام کرد که بسته شدن تنگه هرمز به مدت چند هفته، موجب اختلال کامل در مسیرهای صادراتی نفت خلیج فارس و بزرگ‌ترین کاهش تولید در تاریخ اوپک شده است. طبق گزارش اوپک، تولید نفت اعضای این سازمان در ماه مارس ۲۰۲۶ (۱۰ اسفند ۱۴۰۴) تا ۱۰ فروردین ۱۴۰۵ به ۲۰ میلیون و ۷۸۸ هزار بشکه در روز رسید که نسبت به ماه فوریه (۱۰ بهمن ۱۴۰۴) ۱۰ اسفند ۱۴۰۴) ۲۷.۵ درصد) مواجه شده که آن را به بزرگ‌ترین افت تولید در تاریخ اوپک تبدیل کرده است.

کشورهای اوپک پلاس نیز در ماه مارس روزانه ۱۴ میلیون و ۲۶۷ هزار بشکه تولید کرده‌اند که ۱۷۶ هزار بشکه در روز افزایش یافت، اما این افزایش ناچیز نتوانسته است افت گسترده اوپک را جبران کند. مجموع تولید اوپک و اوپک پلاس به ۳۵ میلیون و ۵۵ هزار بشکه رسید که نسبت به ماه فوریه ۷ میلیون و ۷۰۲ هزار بشکه کاهش داشته است. با وجود این شوک عظیم عرضه، اوپک پیش‌بینی خود از

رشد تقاضای نفت در سال ۲۰۲۶ یک میلیون و ۳۸۰ هزار بشکه در روز اعلام کرد. سازمان پیش‌بینی کرد که تقاضای نفت در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۶ به طور متوسط ۱۰۵ میلیون و ۷۰ هزار بشکه در روز باشد.

ایران دومین تولیدکننده اوپک

طبق این گزارش، کشورهای حاشیه خلیج فارس و عراق بیشترین کاهش تولید را تجربه کردند، در حالی که تولید ایران تنها افت محدودی داشت. آمارها نشان می‌دهد تولید نفت عراق ۲.۵۶۳ میلیون بشکه در روز (۶۱.۲ درصد)، عربستان سعودی ۲.۳۱۴ میلیون بشکه در روز (۲۲.۹ درصد)، امارات ۱.۵۲۷ میلیون بشکه در روز (۴۴.۷ درصد) و کویت ۱.۳۶۹ میلیون بشکه در روز (۵۳ درصد) کاهش یافته است. در مقابل، تولید نفت ایران با کاهش محدود ۱۸۲ هزار بشکه‌ای نسبت به ماه قبل، در ماه مارس به ۳ میلیون و ۶۰ هزار بشکه در روز رسید. با افت شدید تولید نفت کشورهای عربی منطقه، ایران برای نخستین بار طی ۱۲ سال گذشته، به جایگاه دومین تولیدکننده بزرگ اوپک صعود کرده است. عربستان با تولید روزانه ۷ میلیون و ۷۹۹ هزار بشکه و ایران با تولید روزانه ۳ میلیون و ۶۰ هزار بشکه، بزرگ‌ترین تولیدکنندگان اوپک در ماه مارس بودند. ایران تا سال ۲۰۱۴ دومین تولیدکننده اوپک پس از عربستان بود، اما از سال ۲۰۱۵ این جایگاه را از دست داده بود. میانگین سید نفتی اوپک در ماه مارس با ۴۸.۴۶ دلار افزایش نسبت به ماه قبل به ۱۱۶.۳۶ دلار در هر بشکه رسید. در این

میان، قیمت نفت ایران رشد چشمگیری را تجربه کرد. قیمت هر بشکه نفت سنگین ایران در مارس به ۱۲۴.۱۰ دلار رسید که نسبت به ماه قبل، افزایش ۵۷.۵۱ دلاری را نشان می‌دهد. این رشد، نفت سنگین ایران را در زمره گران‌ترین برندهای نفتی اوپک قرار داد؛ به طوری که تنها نفت صادراتی کویت با حدود ۱۵ سنت گران‌تر بود و به ۱۲۴.۲۵ دلار به فروش رسید. نفت سنگین ایران در این ماه حدود ۸ دلار بالاتر از میانگین سید نفتی اوپک و حدود ۲۱ دلار گران‌تر از شاخص نفت برنت معامله شده است. نفت سبک عربستان در ماه مارس ارزان‌تر از نفت سنگین ایران و ۱۱۱ دلار بود.

رشد صادرات نفت ایران

پیش از جنگ، ایران ماهانه حدود ۴۵ تا ۴۸ میلیون بشکه نفت صادر می‌کرد که اکنون بیش از ۱۰ میلیون بشکه به آن اضافه شده است. آمارها نشان می‌دهد صادرات نفت ایران در ماه مارس به حدود ۶۰ میلیون بشکه رسیده است. پیش از این، شرکت رهگیری نفتکش‌های تکرترکرز نیز از افزایش صادرات نفت ایران در میانه جنگ نسبت به قبل از آن خبر داده بود. در همین بازه زمانی، صادرات نفت عربستان سعودی ۵۲ درصد، کویت ۷۲ درصد و جنوب عراق ۷۶ درصد کاهش یافته است. محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت، با بیان اینکه فروش نفت در ماه‌های اسفند و فروردین مطلوب و سبب دلگرمی کشور بوده است، گفت: صادرات نفت حتی یک روزه هم متوقف نشد.

یادداشت

محاصره دریایی یاراهزنی دریایی

سید امیرمنصور برقی

رئیس اسبق سازمان برنامه و بودجه

در پی تحولات اخیر و وقفه‌ای که در جریان جنگ رمضان و صادرات نفت از مسیر تنگه هرمز ایجاد شد، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که احتمال بازگشت سریع قیمت نفت به سطح قبلی، یعنی حدود ۷۰ دلار، چندان بالا نیست. قیمت نفت در بازارهای جهانی صرفاً بر اساس عرضه و تقاضای فیزیکی تعیین نمی‌شود، بلکه بخش قابل توجهی از نوسانات آن ناشی از فعالیت‌های سفته‌بازانه در بازارهای بورس انرژی جهان است. تجربه آغاز درگیری‌ها نیز نشان داد که با وجود توقف یا اختلال در صادرات از تنگه هرمز، بازیگران بازار اجازه ندادند قیمت نفت از حدود ۱۲۰ دلار فراتر رود.



قیمت نفت در هفته‌های آینده به اوج می‌رسد

حالا با وجود توقف موقت درگیری‌ها، هنوز شرایط عبور و مرور در تنگه هرمز به وضعیت عادی گذشته بازنگشته است. علاوه بر این، برخی دیدگاه‌ها بر ضرورت تعریف یک رژیم حقوقی جدید برای مدیریت این تنگه از سوی کشورمان تأکید دارند. با توجه به اهمیت راهبردی تنگه هرمز در انتقال انرژی جهان، انتظار نمی‌رود در کوتاه‌مدت شرایط بازار نفت کاملاً به وضعیت پیشین بازگردد.

تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی در جهان است؛ حدود ۲۰ درصد نفت جهان از این مسیر عبور می‌کند. هرگونه اختلال در این مسیر می‌تواند بازار جهانی انرژی را از بخش قابل توجهی از عرضه خود محروم کند و به طور طبیعی موجب نوسان و افزایش قیمت‌ها شود.

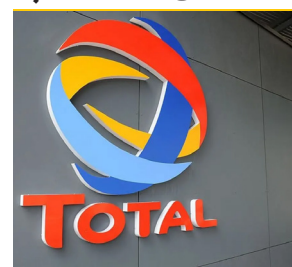
از منظر حقوق دریایی، آب‌های ساحلی کشورهای تا فاصله ۱۲ مایل دریایی از خط ساحل به عنوان قلمرو دریایی آن‌ها شناخته می‌شود. از آنجا که عرض تنگه هرمز کمتر از ۲۴ مایل دریایی است، عملاً کل عرض تنگه در محدوده آب‌های سرزمینی ایران و عمان قرار می‌گیرد. به همین دلیل، نحوه اعمال حاکمیت و مدیریت عبور و مرور در این منطقه اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، ایران می‌تواند با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی خود و تعریف سازوکارهای حقوقی و اجرایی مناسب، از مزیت راهبردی تنگه هرمز برای تأمین منافع اقتصادی کشور استفاده کند. یکی از موضوعاتی که مطرح می‌شود امکان دریافت عوارض عبور از کشتی‌هاست.

در بسیاری از تنگه‌های مهم جهان، دریافت عوارض عبور امری معمول است و ارقامی در حدود ۴ تا ۶ دلار برای هر عبور مطرح می‌شود. البته میزان دقیق درآمد به نوع تعرفه‌ای که تعیین می‌شود و حجم تردد کشتی‌ها بستگی دارد. همچنین نباید توجه را صرفاً به نفت معطوف کرد؛ علاوه بر نفتکش‌ها، کشتی‌های کانتینری، فله‌برها و کشتی‌های حامل فرآورده‌های مختلف نیز از این مسیر عبور می‌کنند. برآوردها نشان می‌دهد که حدود ۳۰ درصد تجارت غیرنفتی جهان نیز از این منطقه عبور می‌کند. به همین دلیل، در صورت طراحی و اجرای یک رژیم حقوقی و اقتصادی مناسب برای عبور و مرور کشتی‌ها، این مسیر می‌تواند منبع درآمد بسیار قابل توجهی برای کشورمان باشد.

خبر

غول نفتی فرانسه: پرداخت عوارض به ایران بهتر از بسته شدن تنگه هرمز است

اکنون می‌توان نوشت: جنگ با ایران منجر به تعیین عوارض ۲ میلیون دلاری برای هر شناور عبوری از تنگه هرمز شده است. این رسانه افزود، گزارش‌های بین‌المللی حاکی از آن است که ایران با هدف دور زدن تحریم‌های نفتی، طرح اخذ عوارض از کشتی‌ها را در تنگه هرمز اجرایی کرده است. هر نفتکش عظیم‌الجثه برای عبور از این آبراه استراتژیک باید ۲ میلیون دلار پرداخت کند. در صورت تداوم کامل این طرح، ایران می‌تواند ماهانه بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار از این محل درآمد کسب کند. این رقم تقریباً با درآمد ماهانه کانال سوئز برابری می‌کند. روزنامه فرانسوی فیگارو نیز گزارش داد که پاتریک پویانه مدیرعامل شرکت توتال انرژی اعلام کرده است که پرداخت عوارض به ایران برای عبور از تنگه هرمز، به مراتب بهتر از بسته شدن کامل این آبراه راهبردی است. مدیرعامل توتال که یکی از بزرگ‌ترین خریداران نفت خام خاورمیانه محسوب می‌شود، افزود: صنعت انرژی جهان نمی‌تواند توقف کامل تردد در این گلوگاه حیاتی را تحمل کند و هر راهکاری که جریان نفت را حفظ کند، حتی اگر شامل پرداخت هزینه به ایران باشد، قابل قبول‌تر از انسداد کامل است. پیش از این نیز انجمن مالکان کشتی کره جنوبی و برخی کشورهای آسیایی، پرداخت عوارض به ایران را به عنوان راه‌حلی کوتاه‌مدت برای خروج کشتی‌های سرگردان پیشنهاد کرده بودند. مدیرعامل توتال هشدار داده که بسته شدن این گذرگاه حیاتی می‌تواند پیامدهای شدیدی برای بازارهای جهانی انرژی داشته باشد و به افزایش شدید قیمت‌ها منجر شود.



بین الملل

شیخ نعیم قاسم: تسلیم نمی شویم

شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب الله لبنان اظهار داشت: برخی در کشور از قرار گرفتن لبنان در مذاکرات آتش بس ناراحت شدند، بیروت باید با ایران و همه کشورهای جهان در خصوص آتش بس در کشور همکاری کند. وی افزود: حزب الله به مدت ۱۵ ماه صبر پیشه کرد، در حالی که دشمن اسرائیلی حتی یک بند از توافق ۲۷ نوامبر ۲۰۲۴ را اجرا نکرد. ما مخالف مذاکرات دولت لبنان با رژیم غاصب هستیم و این مذاکرات بیهوده است، هرگونه مذاکره نیازمند اجماع ملی برای تغییر رویکرد هاست. هرگز تسلیم نمی شویم و تا آخرین رمق با متجاوزان مقابله خواهیم کرد

وی در ادامه مطرح کرد: حملات جاری رژیم صهیونیستی جنگی برای برقراری امنیت اسرائیل نیست، بلکه تهاجمی برای بلعیدن لبنان و نابودی قدرت، مردم و مقاومت آن است.

دبیرکل حزب الله تاکید کرد: دولت لبنان باید نسبت به ایران و سفیر آن موضعش را درست کند. مردم ایران پشتیبانی کرده اند در خیابان ها از کشورشان، ایران با قدرت و ایستادگی اش پیروز شد. همان طور

که دیدید ایران در آتش بس لبنان را آورد. موضوع آتش بس باید به گونه ای باشد که ایران گفته است. شیخ نعیم قاسم هشدار داد که اگر حملات ادامه یابد، حزب الله نیز به مقاومت ادامه خواهد داد و هرگز تسلیم نخواهد شد. او افزود: تا زمانی که دولت در راستای اهداف حمله عمل کند، این حملات ادامه خواهد داشت.



یادداشت

شکست متحد ترامپ در مجارستان

نوید شفیعی
روزنامه نگار

در آستانه انتخابات اخیر مجارستان، سفر جی دی ونس به بوداپست و حمایت آشکار او از ویکتور اوربان، توجه بسیاری را به خود جلب کرد. این اقدام در حالی صورت گرفت که اوربان طی سال های گذشته به عنوان یکی از متحدان نزدیک جریان های راست گرای غرب، به ویژه همسو با دونالد ترامپ شناخته می شد. با این حال، نتیجه انتخابات برخلاف این حمایت ها رقم خورد و پیتر مادیار توانست با کسب اکثریتی قاطع - بیش از دو سوم آرا - قدرت را در دست بگیرد و به ۱۶ سال زمامداری اوربان پایان دهد.

اوربان در طول دوران نخست وزیری خود بارها با همتایانش در اتحادیه اروپا دچار تنش شد، به ویژه بر سر جنگ اوکراین. او نه تنها با سیاست های حمایتی اروپا از کی یف مخالفت می کرد، بلکه با مسدود کردن بسته های مالی حیاتی برای اوکراین، این کشور را متهم می ساخت که قصد دارد مجارستان را به درگیری مستقیم با روسیه و اوکراین بکشاند. چنین موضعی، شکاف عمیقی میان بوداپست و بروکسل ایجاد کرد و مجارستان را در بسیاری از تصمیمات کلان اروپایی به بازیگری غیر همسو تبدیل نمود.

از سوی دیگر، اوربان پیش از انتخابات آمریکا نیز آشکارا آرزوی موفقیت برای ترامپ کرده بود و در سیاست خارجی خود، بیش از آنکه با چارچوب های اتحادیه اروپا حرکت کند، به سمت رویکردهای نزدیک به واشنگتن دوران ترامپ گرایش داشت. او حتی در مواردی حمایت های خود از رژیم صهیونیستی را نیز برجسته می کرد؛ موضعی که در برخی موارد با سیاست های متوازن تر اروپایی ها تفاوت داشت.

با این حال، شکست انتخاباتی اوربان و پیروزی قاطع مادیار را می توان نشانه ای از تغییر فضای سیاسی در اروپا دانست. این تحول بیانگر آن است که گرایش به فاصله گرفتن از سیاست های مورد حمایت ترامپ و متحدانش در حال افزایش است. انتخاب مادیار، که موضعی همسو با اتحادیه اروپا دارد، نشان می دهد که رأی دهندگان مجارستانی به دنبال بازگشت به مسیر همکاری نزدیک تر با اروپا هستند.

در این چارچوب، این انتخابات را می توان یک شکست دیگر برای ترامپ نیز تلقی کرد. در شرایطی که اتحادیه اروپا به طور فزاینده ای سیاست هایی متفاوت از رویکردهای ترامپ اتخاذ می کند، روی کار آمدن چهره ای همسو با اروپا در مجارستان، ضربه ای دیگر به نفوذ سیاسی جریان های نزدیک به او محسوب می شود. به نظر می رسد صدای فاصله گیری از این جریان، نه تنها در مجارستان بلکه در سطح گسترده تری از اروپا، روز به روز بلندتر می شود.

شرایط کنونی قاره سبز از جمله وضعیت انتخابات ها، مساله اوکراین، اختلافات بالای ترامپ با اروپا بر سر مسائلی از جمله گرینلند و ناتو و تعرفه ها نشان می دهد و اگرایی این قاره با آمریکا هر روز بیشتر و بیشتر می شود تا شرایط برای رخ نمایی نظم جدید فراهم شود.

مروری بر جنگ در جنوب رودخانه لیتانی؛

خط مقدم زیر آتش؛
لبنان در پیچ تاریخی

درگیری ها در جنوب لبنان به ویژه در بنت جبیل شدت گرفته و این منطقه بار دیگر به نقطه ای حساس در تقابل میان حزب الله و رژیم صهیونیستی تبدیل شده است؛ به خصوص آنکه این اتفاق برخلاف شروط ایران برای آتش بس بوده است. در همین حال، تلاش اسرائیل برای محاصره و اشغال این شهر مرزی، در کنار اعتراضات مردمی نسبت به مواضع دولت لبنان، شرایطی پیچیده ای را رقم زده است.

اصلی تبدیل شده و نارضایتی عمومی به طور قابل توجهی افزایش یافته است. فیاض همچنین خاطرنشان کرد که عملکرد حاکمیت در سال های اخیر به گونه ای بوده که خشم مردم را تا حد زیادی توجیه پذیر کرده و در چنین فضایی، خیابان به عنوان یک «ضمانت و سپر مستحکم» در برابر بحران ها عمل می کند.

در سطح منطقه ای، اهمیت لبنان و حزب الله برای جمهوری اسلامی ایران بسیار قابل توجه است. حزب الله تنها یکی از اصلی ترین بازیگران محور مقاومت به شمار می رود، بلکه نقش کلیدی در معادلات در برابر رژیم صهیونیستی ایفا می کند. از این منظر، اگر اهمیت حزب الله برای ایران بیشتر از سوریه (زمان بشار اسد) نباشد، بدون تردید کمتر نیز نیست و تحولات لبنان تأثیر مستقیمی بر موازنه در منطقه دارد.

بر همین اساس، هرگونه توافق یا آتش بس احتمالی جدید میان ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی باید به گونه ای تنظیم شود که لبنان را نیز به طور کامل در برگیرد. تجربه های گذشته نشان داده است که توافق های محدود یا ناقص، به ویژه در مرز لبنان و اسرائیل، بارها توسط رژیم صهیونیستی نقض شده و به تداوم بی ثباتی انجامیده است. از این رو، ضرورت دارد که هر آتش بس آینده، جامع، پایدار و تضمین شده باشد تا از تکرار چرخه تنش و درگیری جلوگیری کرده و ثبات واقعی را برای لبنان و کل منطقه به ارمغان آورد.

در یک سخنرانی مشهور در استادیوم تحریر، جمله معروف «اسرائیل از خانه عنکبوت سست تر است» را بیان کرد؛ جمله ای که به نمادی از روحیه مقاومت و شکنندگی ساختار امنیتی رژیم صهیونیستی تبدیل شد. امروز نیز همان شهر در معرض تهدید اشغال قرار گرفته و رژیم صهیونیستی تلاش دارد با فشار نظامی، کنترل آن را به دست بگیرد.

در همین حال، تحولات میدانی با بحران های داخلی لبنان نیز گره خورده است. علی فیاض، عضو فراکسیون وفاداری به مقاومت در پارلمان لبنان، در سخنانی با تأکید بر شرایط پیچیده اجتماعی و سیاسی کشور اعلام کرده است که جامعه لبنان در وضعیت خشم، رنج و نگرانی عمیق قرار دارد. به گفته وی، شکاف میان مردم و حاکمیت به سطحی بی سابقه رسیده و نوعی بی اعتمادی فراگیر در ابعاد اخلاقی، سیاسی و ملی شکل گرفته است.

وی در گفت و گویی تلویزیونی با اشاره به اعتراضات مردمی تأکید کرد که این تحولات، هدایت شده توسط جریان های سیاسی نیست، بلکه بازتاب طبیعی شرایط دشواری است که مردم با آن مواجه اند. از نگاه او، در شرایطی که مردم با بحران هایی همچون کشتار، آوارگی و ویرانی روبه رو هستند، مسائل انسانی به اولویت

احسان میرباقری
روزنامه نگار

در پی تشدید تنش ها در جنوب لبنان، منطقه بنت جبیل بار دیگر به کانون درگیری های گسترده میان حزب الله و رژیم صهیونیستی تبدیل شده است. گزارش ها حاکی از آن است که رژیم صهیونیستی با افزایش تحرکات نظامی و استقرار نیروهای خود، تلاش دارد این منطقه را به محاصره کامل درآورد. بنت جبیل که به عنوان یکی از مهم ترین شهرهای مرزی لبنان شناخته می شود، همواره جایگاهی نمادین در معادلات مقاومت داشته و اکنون نیز به صحنه ای حساس از تقابل تبدیل شده است.

این شهر همان مکانی است که پس از پیروزی تاریخی مقاومت لبنان در سال ۲۰۰۰، شهید سید حسن نصرالله

تشدید درگیری
در جنوب لبنان

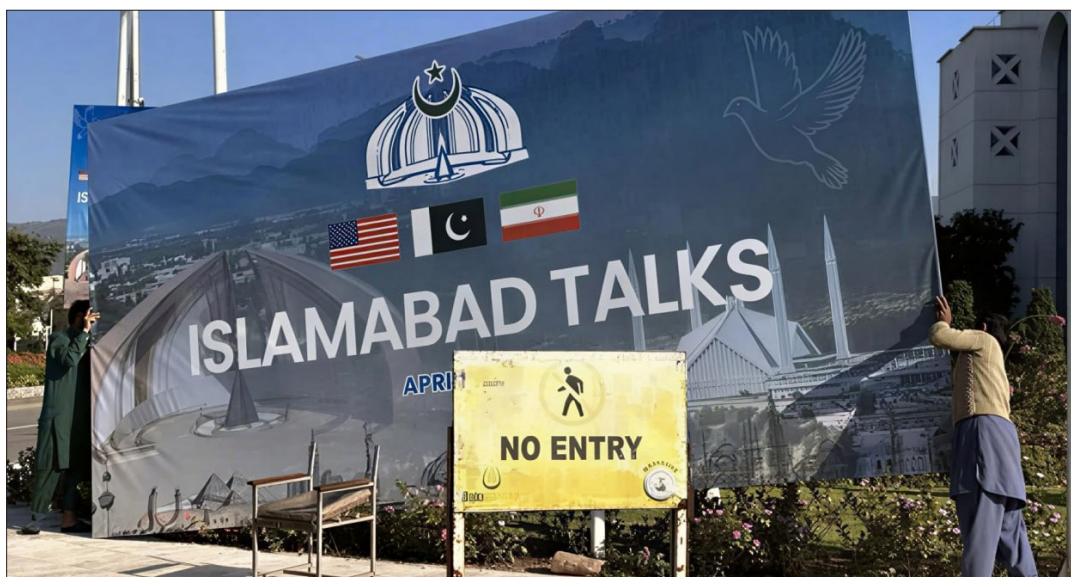
در پی تشدید تنش ها در جنوب لبنان، منطقه بنت جبیل بار دیگر به کانون درگیری های گسترده میان حزب الله و رژیم صهیونیستی تبدیل شده است. گزارش ها حاکی از آن است که رژیم صهیونیستی با افزایش تحرکات نظامی و استقرار نیروهای خود، تلاش دارد این منطقه را به محاصره کامل درآورد.

لبنان و دارایی‌ها؛ دو آزمونی که هنوز صداقت طرف مقابل را تأیید نکرده‌اند

عبور از پیش شرط‌ها؟

گمانه زنی‌های محافل رسانه‌ای غربی و همچنین منابع پاکستانی نشان می‌دهد که روند گفت‌وگوها نه متوقف شده و نه به نتیجه رسیده، بلکه در وضعیتی معلق قرار دارد؛ وضعیتی که قرار است شاید در پایان هفته

به دور تازه‌ای از مذاکرات ختم شود. اما مسئله اصلی اینجاست که چرا وقتی هیچ‌کدام از شروط ایران محقق نشده بار دیگر باید تیم ایران در مذاکرات شکست خورده و زورگویانه آمریکایی‌ها شرکت نمایند؟



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

خلف وعده آمریکا در توافق تبادل زندانیان، اکنون به نمادی از بی‌اعتمادی بدل شده است. پرسش افکار عمومی روشن است: اگر آزادسازی این دارایی‌ها پیش شرط است، چرا هنوز تحقق نیافته و چگونه می‌توان بدون آن وارد مذاکره شد؟

واقعیت آن است که در بیش از دو دهه گذشته، آمریکا همواره با تکیه بر «چماق جنگ» پای میز مذاکره آمده است. از سعدآباد تا کنون این تهدید به عنوان ابزار امتیازگیری مورد استفاده قرار گرفته، هرچند ایران هیچ‌گاه در برابر آن مرعوب نشد. اما اکنون شرایط متفاوت است؛ تهدید جنگ این بار جامه عمل پوشید و پس از هفته‌ها حمله و بمباران و هزینه‌های سنگین، نتوانست اهداف خود را محقق کند و عملاً به شکست انجامید.

در چنین شرایطی، طرح مطالبات تکراری و حداکثری از سوی آمریکا (از جمله محدودیت‌های ۲۰ ساله بر حق غنی‌سازی و برنامه هسته‌ای و نابودسازی و یا تحویل اورانیوم با غنای ۶۰ درصد) بیش از آنکه واقعی باشد، نشان‌دهنده تداوم همان رویکرد زیاده‌خواهانه است. این در حالی است که حتی روایت‌های غربی نیز این خواسته‌ها را دلیل شکست مذاکرات

می‌دانند. با این حال، تحرکات اخیر آمریکا (از تهدیدهای تند تا طرح مضحک محاصره دریایی ایران) نشان می‌دهد که واشنگتن همچنان در مدار تعبیت از تل‌آویو حرکت می‌کند. این در حالی است که وال‌استریت ژورنال از وجود حدود ۱۶۰ میلیون بشکه نفت ذخیره‌شده ایران در نفتکش‌های سایه حکایت دارد؛ ظرفیتی که می‌تواند ماه‌ها نیاز شرکای تجاری ایران همچون چین را تأمین کرده و هم‌زمان بازار جهانی انرژی را علیه آمریکا ملتهب کند.

این واقعیت‌ها این پیام روشن را دارند که آمریکا نه در میدان جنگ دست بالا را دارد و نه در اقتصاد جهانی قادر به تحمیل اراده یک‌جانبه خود است. بنابراین هرگونه نرمش در برابر خواسته‌های زیاده‌خواهانه به عنوان علامت ضعف تفسیر خواهد شد.

تاسف بار آنکه دور نخست مذاکرات با وجود عدم تحقق پیش‌شرط‌های ایران برگزار شد و ممکن است این اتفاق به یک رویه تبدیل شود و آمریکا را در عهدشکنی مصمم‌تر نماید؛ اکنون مسیر مذاکرات باید منوط به پایبندی جدی به پیش‌شرط‌ها باشد چراکه مذاکره‌ای که پیش‌شرط‌هایش اجرا نشده، نه یک فرصت بلکه یک دام تکراری است.

یادداشت

محاصره دریایی ایران یا قمار کاخ سفید با جهان؟

امیر شهشانی
روزنامه‌نگار

طرح موسوم به «محاصره دریایی ایران» دقیقاً یک روز پس از شکست مذاکرات اسلام‌آباد، از سوی ترامپ کلید خورد؛ تصمیمی که باید آن را امتداد همان سلسله اقدامات دیوانه‌واری دانست که پیش‌تر در ۴۰ روز جنگ علیه ایران نیز به بن‌بست رسید. این بار اما خطای محاسباتی بزرگ‌تر است: یکسان‌سازی ایران با ونزوئلا؛ اشتباهی که می‌تواند به حماقت دوم ترامپ در تاریخ سیاست خارجی آمریکا تبدیل شود.

محاصره دریایی ونزوئلا، هرچند با هزینه‌های بالا، در یک بستر ژئوپلیتیک محدود تعریف می‌شد؛ اما تعمیم همان الگو به ایران، آن هم در قلب شاهراه‌های انرژی جهان، نشان می‌دهد که ترامپ که توانایی درک پیچیدگی‌های ژئواکونومیک را ندارد، عملاً در حال بازی با آتش در سطحی جهانی است از همین رو، این اقدام بیش از آنکه یک فشار اقتصادی باشد، جرقه‌ای برای تنش‌های زنجیره‌ای میان قدرت‌های بزرگ تلقی می‌شود.

واقعیت آن است که این طرح از چندین جهت محکوم به شکست است. نخست، ناوگان سایه و انباشت نفت ایران بر روی نفتکش‌ها که بنا بر برخی برآوردها به حدود ۱۶۰ میلیون بشکه رسیده و امکان تداوم صادرات ایران را فراهم می‌کند. دوم، وابستگی پالایشگاه‌های آسیایی به نفت خاورمیانه که به سادگی با نفت آمریکا یا متحدانش جایگزین نمی‌شود. سوم، ظرفیت‌های بازدارنده منطقه‌ای؛ از امکان انسداد در باب‌المنندب توسط یمین تا توان پاسخ ایران علیه زیرساخت‌های نفتی در کشورهای متحد آمریکا در جنوب خلیج فارس. و نهایتاً، پیوند راهبردی با چین که معادله را از یک تقابل دو جانبه به یک چالش چندقطبی ارتقا می‌دهد.

در همین چارچوب، پیام‌های پکن مبنی بر عبور نفتکش‌هایش از منطقه محاصره، حامل این معناست که ابعاد ماجرا از یک مناقشه منطقه‌ای فراتر رفته و به آستانه یک درگیری میان قدرت‌های هسته‌ای نزدیک می‌شود.

نکته نگران‌کننده‌تر، تبدیل این الگو به یک رویه است؛ از ونزوئلا و کوبا تا ایران. چنین روندی عملاً امنیت دریاهارا به گروگان گرفته و می‌تواند به رویارویی مستقیم میان آمریکا با چین و روسیه در پهنه‌های آبی بینجامد.

در این میان، اقدامات دیوانه‌وار ترامپ حتی متحدان اروپایی واشنگتن را نیز دچار تردید کرده است. زمزمه‌های فاصله‌گیری از کاخ سفید، بیش از هر زمان دیگری به گوش می‌رسد؛ چراکه بسیاری در اروپا از ظهور نسخه‌ای جدید از هیتلر، این بار در آمریکا، بیمناک شده‌اند.

امروز در بسیاری از محافل علمی و سیاسی غرب، این گزاره به یک اجماع نانوشته تبدیل شده که ترامپ افسار پاره کرده و به هیولایی در سیاست بین‌الملل بدل شده است؛ یعنی همان تعبیری که معاونش ونس سال‌ها پیش، پیش از ورود او به کاخ سفید، به کار برده بود «هیتر آمریکا». اکنون پرسش اصلی این است: آیا جهان می‌تواند هزینه این قمار خطرناک را بپردازد، یا باید در انتظار شعله‌ور شدن آتشی باشد که این بار نه فقط یک منطقه، بلکه کل نظم جهانی را در بر خواهد گرفت؟

آزمون صداقت یا تکرار فریب؟

لبنان امروز صرفاً یک میدان درگیری نیست، بلکه معیاری برای سنجش صداقت طرف مقابل در هرگونه فرآیند دیپلماتیک است. همان‌گونه که آزادسازی دارایی‌های ایران نیز از یک مطالبه اقتصادی فراتر رفته و به شاخصی از اعتماد تبدیل شده است. بدون تحقق این دو، هر مذاکره‌ای از پیش با تردید و بی‌اعتباری مواجه خواهد بود.

سیاست خارجی

نخست وزیر اسپانیا: جنگ علیه ایران نامشروع و اشتباه سیاسی آمریکا بود

«موسی عاصی» خبرنگار و تحلیلگر ارشد شبکه المیادین در تحلیلی جامع به بررسی دلایل پشت پرده شکست دور اخیر مذاکرات میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا پرداخت و تأکید کرد که بیانه هسته‌ای مطرح‌شده از سوی «جی دی ونس» فرستاده ویژه آمریکا، پوششی برای پنهان کردن علل واقعی این ناکامی است.

تحلیلگر المیادین سپس به جانبداری تیم مذاکره‌کننده آمریکایی از اسرائیل پرداخت و گفت: از سوی دیگر، جانبداری آشکار ایالات متحده از آنچه رئیس‌جمهور آمریکا قبلاً با آن موافقت کرده بود (به‌ویژه در موضوع لبنان)، برای طرف ایرانی کاملاً مشهود بود.

عاصی با اشاره به اعتراف ونس درباره تماس‌های مکرر با ترامپ در جریان مذاکرات، نتیجه‌گیری کرد: «آنچه کاملاً پیداست این است که ایالات متحده و تیم مذاکره‌کننده آمریکایی که از سوی دونالد ترامپ اختیارات تام و کامل دریافت کرده بود موضوعی که خود جی دی ونس نیز به آن اعتراف کرد و گفت طی بیست ساعت، ده‌ها بار با ترامپ تماس تلفنی داشته است عملاً منافع اسرائیل را بر منافع ملی آمریکا و بر مصلحت صلح ترجیح داد. این انتخاب فارغ از تبعات آن برای منطقه خاورمیانه یا حتی در مقیاس جهانی بوده است.»



بر منافع ملی آمریکا و بر مصلحت صلح ترجیح داد.

یادداشت

امام صادق از نگاه حکیم عطار نیشابوری

محمد قربانی
 روزنامه نگار

عطار، شاعر و عارف بزرگ قرن شش و هفت هجری، ارادت ویژه‌ای به امامان شیعه داشته است. هرچند عطار سنی مذهب بوده، اما در آثار مختلف خود بارها با احترام و محبت از ائمه اطهار یاد کرده است. او تذکرة الاولیا را که شرح حالات عرفان بزرگ مسلمان از صدر اسلام تا زمان حیات عطار بوده است، با ستایش امام صادق (ع) آغاز می‌کند و در پایان این اثر سترگ را با بزرگداشت امام باقر (ع) به پایان می‌رساند. به بهانه همزمانی شهادت امام صادق (ع) و روز بزرگداشت عطار نیشابوری، بازخوانی نثر زیبای عطار نیشابوری در وصف و بزرگداشت امام صادق (ع) خالی از لطف نیست. عطار، تذکرة الاولیا را این گونه با نام امام صادق (ع) آغاز کرده است:

«آن سلطان ملت مصطفوی، آن برهان حجت نبوی، آن عامل صدیق، آن عالم تحقیق، آن میوه دل اولیاء، آن جگرگوشه انبیاء، آن ناقد علی، آن وارث نبی، آن عارف عاشق: جعفر الصادق (ع).

چون ذکر او کرده شود از آن همه بود. نه بینی که قومی که مذهب او دارند، مذهب دوازده امام دارند. یعنی یکی دوازده است و دوازده یکی. اگر تنها صفت او گویم، به زبان و عبارت من راست نیاید که در جمله علوم و اشارات و عبارات بی تکلف به کمال بود، و قدوه جمله مشایخ بود، و اعتماد همه بر وی بود، و مقتدای مطلق بود.

هم الهیان را شیخ بود، و هم محمدیان را امام، و هم اهل ذوق را پیشرو، و هم اهل عشق را پیشوا. هم عباد را مقدم، هم زهاد را مکرم. هم صاحب تصنیف حقایق، هم در لطایف تفسیر و اسرار تنزیل بی نظیر بود... و عجب دارم از آن قوم که ایشان خیال بندند که اهل سنت و جماعت را با اهل بیت چیزی در راه است که اهل سنت و جماعت اهل بیت را باید گفت به حقیقت. و من آن نمی دانم که کسی در خیال باطل مانده است، آن می دانم که هر که به محمد ایمان دارد و به فرزندان او ندارد به محمد ایمان ندارد. تا به حدی که شافعی در دوستی اهل بیت تا به حدی بوده است که به رفضش نسبت کرده اند...»

چگونه غرب تصویر دلخواه خود را می‌سازد؛

سیاست انتخاب فیلم در کن

کیفیت هنری، بلکه به دلیل همخوانی با تصویری خاص و از پیش تعریف شده انتخاب می‌شوند؛ تصویری که برای مخاطب غربی قابل فهم، جذاب و گاه تأییدکننده پیش‌فرض‌های ذهنی اوست. در این میان، سپینمای ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و سال‌هاست با چنین انتظاری مواجه است؛ انتظاری که مسیر حضور مستقل و متنوع را محدود می‌کند.

جشنواره کن سال‌هاست به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای سینمایی جهان شناخته می‌شود، اما پشت این اعتبار جهانی، نوعی سیاست نانوخته در انتخاب فیلم‌ها وجود دارد که برای بسیاری از کشورهای خارج از نظم مسلط غربی، قابل تأمل و حتی مسئله‌ساز است. فیلم‌هایی که از این کشورها به کن راه پیدا می‌کنند، اغلب نه صرفاً به‌خاطر



سعید قاسمی
 روزنامه نگار

دیده شدن نیست، بلکه وابسته به پذیرش همان قواعد نانوخته است.

نمونه مشخص آن در همین سال جاری دیده می‌شود؛ جایی که چندین فیلم ایرانی به کن ارسال شدند، اما تقریباً همگی بدون استثنا رد شدند. این اتفاق رانمی‌توان صرفاً به کیفیت آثار نسبت داد، بلکه باید آن را در چارچوب همان سیاست انتخاب تحلیل کرد. وقتی فیلمی نتواند در قالب انتظار تعریف شده قرار بگیرد، حتی فرصت دیده شدن هم پیدا نمی‌کند.

در چنین شرایطی، این پرسش جدی‌تر از همیشه مطرح است: چرا فیلمساز ایرانی باید همچنان به ارسال اثر به کن ادامه دهد؟ آیا این روند چیزی جز تلاش برای تطبیق با یک نگاه بیرونی و از پیش تعریف شده است؟ و آیا این مسیر در نهایت به محدود شدن خلاقیت و تنوع روایت‌ها منجر نمی‌شود؟

از سوی دیگر، این وابستگی به جشنواره‌هایی مانند کن، نوعی مرکزگرایی فرهنگی را نیز تقویت می‌کند؛ جایی که تأیید یک نهاد غربی به‌عنوان معیار موفقیت تلقی می‌شود. این در حالی است که جهان سینما امروز بسیار گسترده‌تر و چندقطبی‌تر از گذشته شده و بسترهای متنوعی برای نمایش و توزیع آثار وجود دارد. نادیده گرفتن این ظرفیت‌ها و تمرکز صرف بر کن، عملاً به معنای نادیده گرفتن فرصت‌های دیگر است.

سیاست انتخاب فیلم در جشنواره کن را نمی‌توان صرفاً بر پایه معیارهای فنی و هنری توضیح داد. به‌ویژه برای کشورهای غربی که خارج از مدار فرهنگی و سیاسی غرب تعریف می‌شوند، این انتخاب‌ها اغلب تابع نوعی نگاه گزینشی و جهت‌دار است. در چنین چارچوبی، فیلم‌ها باید «اگزوتیک» باشند؛ یعنی تصویری خاص، جذاب، متفاوت و قابل مصرف برای مخاطب غربی ارائه دهند؛ تصویری که از پیش در ذهن این مخاطب شکل گرفته و جشنواره نیز در عمل همان را بازتولید می‌کند.

در مورد ایران، این اگزوتیسم معمولاً در قالب نمایش عقب‌ماندگی، ارتجاع، خشونت، فقر و نقدهای تند سیاسی نمود پیدا می‌کند. این عناصری هستند که بارها و بارها در فیلم‌های پذیرفته شده دیده‌ایم و به نوعی به الگوی نانوخته راه‌یابی به کن تبدیل شده‌اند. در نتیجه، فیلمی که خارج از این چارچوب حرکت کند یا تصویری متفاوت و غیرمنتظره ارائه دهد، عملاً شانس بسیار اندکی برای حضور در این جشنواره دارد.

این مسئله به‌مرور زمان برای فیلمسازان ایرانی نیز روشن شده است. با این حال، همچنان نوعی اصرار برای حضور در کن دیده می‌شود؛ گویی این جشنواره همچنان تنها معیار اعتبار بین‌المللی تلقی می‌شود. در حالی که تجربه‌های اخیر نشان می‌دهد این مسیر نه تنها تضمین‌کننده

یادداشت

سعودی برای مقابله با قدرت‌نرم ایران دست به کار شد

ایمان عظیمی
 روزنامه نگار

جنگ رمضان نشان داد که ایران اسلامی چیزی برای ارائه در روادی «جنگ نرم» کم ندارد و می‌تواند با اتکاء بر امکانات بومی خود، تا حدود قابل توجهی زمین بازی را تغییر دهد. بعد از حمله غافلگیرانه و وحشیانه آمریکا و اسرائیل در صبح روز شنبه نهم اسفند ۱۴۰۴ به کشور، دستگاه تبلیغات عبری-عربی غربی دست به کار شدند تا برای بسط منافع‌شان در منطقه، طرف پیروزا به ضرب روایت‌های پرطمطراق هالیوودی مشخص کنند.

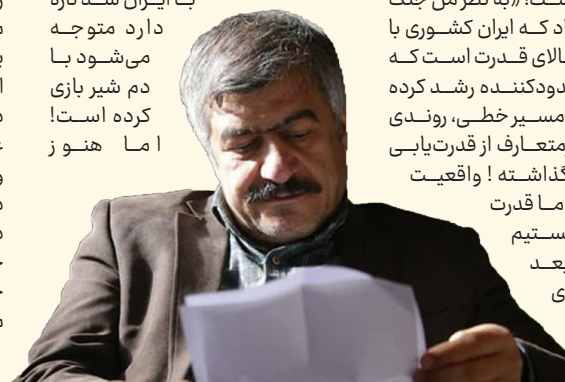
در تمام نبردهای آمریکا با کشورها و نظام‌هایی که به اصطلاح آدم او نیستند یا پای استقلال‌شان می‌مانند، این ابتدا «تصویر برنده» است که توسط رسانه ساخته می‌شود و دستگاه فکری و ادراکی بیننده و مخاطب را زیر ضرب می‌گیرد. در مورد ایران هم همین اتفاق با سال‌ها زمینه‌چینی توسط فیلم‌های سینمایی و شبکه‌های پُرشمار تلویزیونی-رادیویی و همینطور برنامه‌های گوناگون یوتیوبی... تولید و به مردم عرضه شد، اما مسئله‌ای که دشمن از آن غافل بود توان عجیب و نامتعارف نظام اسلامی در به هم زدن بازی بود.

از طرف دیگر افکار عمومی جهان - که با آغاز عملیات طوفان الاقصی - نگاهش را از رسانه‌های جریان اصلی برداشته و به خود آمده بود، با ترکش‌های بمب‌ها و موشک‌های ایران اسلامی و روایت آن توسط رزمندگان عرصه رسانه سمت درست تاریخ را انتخاب کرد و به طرفداری از جبهه حق پرداخت. پیش از آغاز این نبرد، عقلای جمع و طرفداران گزاره نامنجسم و مهممل «آئین قدرت» تصور می‌کردند که نظام و مردم پس از اعلام رسمی جنگ توسط رئیس‌جمهور کودک صفت آمریکا، ایران تسلیم می‌شود یا در بدترین سناریو توان زرمش را از دست می‌دهد، اما فرمان قدرت در تمام جوانب آن در دست ما بود و توانستیم معادله شیاطین را برهم بزنیم و نه فقط در میدان، بلکه در افکار و ادراک جماعت غربی هم اثر گذاشته و صفوف آن‌ها را به هم بزنیم.

حال عربستان سعودی که هیچ شانس برای مقابله با مشت آهنین ایران ندارد در تلاش است تا با ساخت سریال‌های پُرخرج، کنترل دستگاه ادراکی مخاطبان عرب‌زبان منطقه را در دست بگیرد، کاری که آمریکا از پس انجام آن بر نیامد.

بسیاری از ایرانیان قدرت نظامشان را باور نکرده‌اند یا به دیده تردید می‌نگرند این شدت از خود تحقیری یا نداشتن اعتماد به نفس ناشی از شکست‌های پی‌در پی تاریخی در دوران معاصر و القای درازمدت جریان غرب زده و توخالی روشنفکران داخلی و رسانه‌هاست... دوران هژمونی آمریکا تمام شده است دوران ناو و اف ۳۵ و تسلط دلار تمام خواهد شد به نظر من تاریخ بعد از جنگ جهانی دوم به دو نیمه تقسیم می‌شود: قبل از جنگ با ایران و بعد از جنگ با ایران...»

رژیم را خورد و مستقیم وارد جنگ با ایران شد تازه دارد متوجه می‌شود با دم شیر بازی کرده است! اما هنوز جلیل سامان نویسنده و کارگردان در یادداشتی نوشت: «به نظر من جنگ جاری نشان داد که ایران کشوری با ظرفیت‌های بالای قدرت است که در شرایط محدودکننده رشد کرده و به جای یک مسیر خطی، روندی متفاوت و غیرمتعارف از قدرت‌یابی را پشت سر گذاشته! واقعیت این است که ما قدرت فرامانطقه‌ای هستیم... آمریکا بعد از اینکه بازی تحلیل‌های غلط



دوران هژمونی آمریکا تمام شده است